

علوم قرآنی از دیدگاه آیت الله معرفت

محمد فاکر میبیدی

دکترای علوم قرآنی، مدیر مرکز تخصصی تفسیر قم

چکیده: در این مقاله ضمن بیان فرق علوم قرآن و علوم قرآنی، ترکیب علم قرآنی در آراء اندیشمندان به بحث گذاشته شده است و دیدگاه آیت الله معرفت نیز مورد ارزیابی قرار گرفته شده است.

قسم دیگر مقاله به بررسی مرزهای علوم قرآن می‌پردازد و گستره مباحث علوم قرآن مطرح شده است. فرق علوم و معارف قرآن نیز بخش دیگر از مقاله را به خود اختصاص داده است.

در این مقاله زوایای مختلف مباحث علوم قرآن چون علوم لفظی و معنوی، تاریخی و تفسیری، برون قرآنی و درون قرآنی، علوم متصل و مستفاد از قرآن از تقسیمات علوم قرآن دانسته شده است. مؤلف در این مقاله به بحثهای دیگری در این باره به اختصار اشاره کرده است که از جمله آنها، ارتباط عترت با علوم قرآن، شیوه بحث در مباحث علوم قرآن، ماهیت، موضوع و جایگاه علوم قرآن و نیز ضرورت بحث در این حوزه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: قرآن، علوم قرآن، علوم قرآنی، تفسیر، معرفت.

گستره علوم قرآن

ترکیب دو واژه «علوم» و «قرآن» در زبان فارسی می‌تواند به دو شکل وصفی و اضافی به کار رود، بدین معنی که اگر واژه قرآن نسبت به علوم به عنوان صفت باشد به مقتضای مفهوم وصفی آن، برخی از دانش‌های مربوط به قرآن را در برمی‌گیرد، یعنی دانش‌هایی که وجهه قرآنی دارند. ولی اگر کلمه قرآن به عنوان مضاف‌الیه و ترکیب از

نوع اضافی باشد، در این صورت اصطلاح «علوم قرآن» به معنای دانش هائی خواهد بود که در ارتباط با قرآن است، که طبعاً دانش‌های بیشتری را دربر خواهد گرفت که در همین مقاله بدان اشاره خواهد شد.

البته در ادبیات قرآنی معاصر در زبان فارسی چندان این دقت‌ها اعمال نشده و هر محققى تعبیری را به کار برده است. استاد معرفت تعبیر «علوم قرآنی» را برگزیده است، در حالی که آقایان آیت الله میرمحمدی و عبدالوهاب طالقانی و دکتر سعیدی روشن و دیگران تعبیر «علوم قرآن» انتخاب کرده ولی محتوای کلی هر دو یکی است.

تفاوت علوم قرآنی با علوم قرآن

بی تردید خاستگاه نخست اصطلاح «علوم قرآن» زبان عربی است، که منشأ آن یکی از دو ترکیب وصفی «العلوم القرآنیة» و ترکیب اضافی «علوم القرآن» می‌باشد. حال باید دید در زبان فارسی کدام یک از دو ترکیب فوق مورد نظر قرار گرفته است، آیا ترکیب «العلوم القرآنیة» ترجمه و بازگردانده شده است، که مناسب‌تر است به «علوم قرآنی» تعبیر شود. یعنی علمی که موضوع آن قرآن است، همانند علوم سیاسی و علوم طبیعی که موضوع آنها سیاست و طبیعت است. یا ترکیب اضافی «علوم القرآن» مورد نظر است که در این صورت اصطلاح «علوم قرآن» مناسب خواهد بود، و طبعاً از حوزه دانش هائی متعلق به قرآن فراتر خواهد رفت و همه علوم مقدمی، علوم بر خواسته و دانش‌های برگرفته از قرآن، را نیز دربر خواهد گرفت.

همان گونه که گفته شد استاد معرفت در آثار فارسی خود عنوان «علوم قرآنی» را برگزیده‌اند، در حالی که آثار عربی ایشان معنون به «علوم قرآن» می‌باشد. که به نظر می‌رسد اگر استاد تعبیر «علوم قرآن» را برای آثار خود می‌پسندیدند بهتر بود. و بسا انتخاب عنوان علوم قرآنی به دلیل این باشد که خواسته‌اند بخش خاصی از علوم قرآن را بحث کرده باشند.

تعریف علوم قرآن

دانشمندان و صاحب نظران حوزه قرآن در روزگاران گذشته، تعریف دقیقی از علوم

قرآن ارائه نکرده‌اند، و تنها به ذکر اقسام و عدد آن بسنده نموده‌اند، از جمله زرکشی به نقل از ابن‌العربی^(۱) می‌نویسد: علوم قرآنی ۷۷۴۵۰ علم است. و نیز می‌نویسد: اساس علوم قرآن سه چیز است: توحید و تذکر و احکام، توحید شامل شناخت خدا، اسماء، صفات و شناخت مخلوقات می‌شود. و تذکر شامل وعد و وعید، بهشت و دوزخ و پاک سازی ظاهر و باطن می‌شود. و احکام نیز تکالیف و اوامر و نواهی را در بر می‌گیرد.^(۲) ولی خود زرکشی مجموع علوم قرآن را چهل و هفت نوع و سیوطی آن را در هشتاد نوع بیان کرده‌اند.

اما از امروزیانی که کم و بیش در این مقوله قلم زده و سخن گفته‌اند، محمد عبدالعظیم زرقانی است، وی می‌نویسد: علوم قرآن، با ترکیب اضافی خود شامل همه علوم می‌شود، ولی پس از نقل آن از معنی وسیع به فن مدون، تنها شامل مباحث خاصی شده و اصطلاح جدیدی پیدا نموده است.

از این رو، علوم قرآن، مجموعه مباحث مربوط به قرآن از جهت: نزول قرآن، ترتیب، جمع، نگارش، قرائت، تفسیر، اعجاز، ناسخ و منسوخ، دفع شبهات از قرآن و امثال این‌ها است.^(۳)

شهید آیت‌الله محمد باقر صدر نیز در این زمینه می‌نویسد: علوم قرآن عبارت است از همه معلومات و مباحثی که متعلق به قرآن است، هرچند اهداف آن‌ها مختلف باشد.^(۴) آقای دکتر سعیدی روشن در این زمینه راه دیگری پیموده و در تعریف خود مبانی فهم قرآن را نیز تعبیه نموده است، وی می‌نویسد: علوم قرآن مطابق اصطلاح مرسوم روزگار ما، آن دسته از دانش‌هایی است که مبانی، ابزارها و راهبردهای فهم قرآن را تسهیل می‌نماید.^(۵) وی سپس می‌افزاید: مطالعات مربوط به علوم قرآن آمیخته‌ای از مطالعات برون دینی و درون دینی است. بدین معنی که پاره‌ای از این مطالعات همچون ضرورت وحی، دلالت اعجاز و حقانیت آن، تحریف ناپذیری وحی، و همینطور ضرورت فهم‌پذیری آن صرف نظر از جنبه نقلی، جنبه عقلی دارد.

این بدان معنی است که نگاه نویسندگان به مباحث عقلی مربوط به علوم قرآن، نگاهی

برون دینی است.

دیدگاه استاد معرفت

به نظر می‌رسد ایشان معتقدند که علوم قرآن و به تعبیر ایشان «علوم قرآنی»، مجموعه «دانش‌های برون قرآنی» است. استاد می‌گوید: علوم قرآنی اصطلاحی است در باره مسائلی مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن. سپس می‌افزاید: مباحثی چون وحی و نزول قرآن، مدت و ترتیب نزول، اسباب نزول، جمع و تألیف قرآن، کاتبان وحی، مکی و مدنی، پیدایش قرائت، پیدایش متشابهات، اعجاز، نسخ و عدم تحریف در علوم قرآنی مطرح می‌شود.^(۶) و در جای دیگر می‌نویسد: علوم قرآن موضوع خود را قرآن قرار داده و با نگرشی برونی پیرامون آن بحث می‌کند، یعنی مباحثش به محتوای قرآن مربوط نبوده، بلکه به بررسی موضوعاتی همچون تاریخ قرآن، اسباب نزول، کیفیت نزول، مخاطبین قرآن، شبهه تحریف، و نظائر آن می‌پردازد.^(۷)

در همین راستا استاد در آثار خود به ویژه در موسوعه «التمهید» به مباحثی همچون: پدیده وحی، نزول قرآن، اسباب نزول، تاریخ قرآن، مکی و مدنی، ترتیب سوره‌ها، جمع قرآن، توحید مصاحف، رسم الخط قرآن، قراء و قرائت، محکم و متشابه، نسخ (ناسخ و منسوخ) و اعجاز قرآن می‌پردازد. و کتابی مستقل در مورد تحریف ناپذیری قرآن با عنوان «صيانة القرآن من التحريف» به رشته تحریر می‌آورد.

مرزهای علوم قرآن

بسا بتوان گفت که علوم قرآن در مجموع به سه مرزبندی در حوزه دانش مربوط به قرآن اطلاق می‌شود:

الف) حوزه گسترده در این تعریف اصطلاح علوم قرآن همه‌ی دانش‌هایی که در جهت فهم قرآن قرار دارد، یا برخاسته از قرآن است، و یا برگرفته از آن می‌باشد را شامل می‌شود، و به دیگر سخن علوم قرآن، بر اساس این اصطلاح عبارت است از:

۱- دانش‌های برخاسته از قرآن.

۲- دانش‌هایی که مربوط به شناخت قرآن است.

۳- دانش هائی که در فهم قرآن نقش و دخالت دارد.

۴- دانش هائی که مستفاد از قرآن کریم است.

ب) حوزه متوسط یعنی حوزه‌ای که دانش‌های برونی مربوط به قرآن را دربر می‌گیرد، و شامل تاریخ قرآن اعم از نزول و کیفیت آن، جمع و گردآوری قرآن، توحید مصاحف، اسباب نزول، نویسندگان وحی، رسم الخط قرآن، اعراب و اعجاز قرآن و دانش‌های قرآنی چون بررسی پدیده وحی، تحریف ناپذیری، اعجاز قرآن، نسخ (ناسخ و منسوخ)، تأویل و تنزیل، ظهر و بطن، و نیز احکام و تشابه، اطلاق و تقیید و جز آن می‌شود.

ج) حوزه کوچک از دایره این اصطلاح، تاریخ قرآن با همه متعلقاتش از مدار علوم خارج است و تنها شناخت پایه‌ای که دو سویه می‌باشد، یک سوی آن در درون قرآن و سوی دیگر آن در برون قرآن است را دربر می‌گیرد. این اصطلاح در برنامه ریزی درسی نقش مهمی دارد.

استاد معرفت در این زمینه به حوزه متوسط نظر دارد.

یاد سپاری

شایان ذکر است که محدود کردن دانش‌های قرآنی به محدود خاص مشکلی ایجاد نمی‌کند. چنان‌که نگرشی به پهنه همه معارف قرآنی نیز مشکل آفرین نخواهد بود. چراکه اصطلاح علوم قرآنی هنوز بر اصطلاح خاصی استقرار نیافته است. و چون ترکیب وصفی (علوم قرآنی)، رجحانی بر ترکیب اضافی (علوم قرآن) ندارد، لذا مناسب‌تر آن است که علوم قرآن با همان گستردگی ذاتیش به کار رود، و چنانچه محدوده خاصی مورد نظر پژوهشگری می‌باشد با تعریف ویژه و ذکر قیود، آن را معین نماید.

فرق علوم قرآن با معارف قرآن

استاد معرفت در فرق بین علوم قرآنی با معارف قرآنی می‌نویسد: فرق میان علوم قرآنی و معارف قرآنی آن است که علوم قرآنی بحثی بیرونی است و به درون محتوای قرآن از جنبه تفسیری کاری ندارد، اما معارف قرآنی کاملاً با مطالب درون قرآنی و

محتوای آن سر و کار دارد و یک نوع تفسیر موضوعی به شمار می‌رود. ایشان سپس می‌افزایند: معارف قرآنی یا تفسیر موضوعی، مسائل مطرح شده در قرآن را از حیث محتوایی بررسی می‌کند، بدین ترتیب که آیات مربوط به یک موضوع را از سراسر قرآن در یک جا گردآورده و در مورد آنچه که از مجموع آن‌ها به دست می‌آید سخن می‌گوید، مشروط بر این که از محدوده دلالت قرآنی فراتر نرود. گرچه در تفسیر موضوعی گاه ضرورت دارد به شواهد عقلی و نقلی دیگری نیز استشهاد شود ولی بحث کاملاً قرآنی است. (۸)

دو نکته

در این جا دو نکته به نظر می‌رسد:

اول اینکه، به نظر می‌رسد آنچه استاد به عنوان معارف قرآن یا تفسیر موضوعی از آن یاد می‌کند در حقیقت بخشی از همان علوم قرآن به معنی عام است که زرقانی بیان نموده است.

دوم اینکه استاد تنها تفسیر موضوعی را جزء معارف قرآن شمرده‌اند، و سخنی از تفسیر ترتیبی که حجم عظیمی از معارف قرآنی به شمار می‌رود به میان نیاورده‌اند. شاید این بدان معنی باشد که چون در تفسیر ترتیبی نمی‌توان به نظر نهایی قرآن رسید نمی‌توان نام معارف بر آن نهاد.

علم یا علوم؟

پرسشی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که چرا در تعریف این بحث‌ها به «علوم قرآنی» یا «علوم قرآن» تعبیر می‌شود، و از کلمه علم استفاده نمی‌شود؟ استاد معرفت در این زمینه می‌نویسد: راز این که علوم را به صیغه جمع گفته‌اند این است که هر یک از این مسائل در چارچوب خود استقلال دارد، و علمی جدا شناخته می‌شوند، و غالباً ارتباط تنگاتنگی میان این مسائل وجود ندارد، لذا میان مسائل علوم قرآنی نوعاً یک نظم طبیعی برقرار نیست تا رعایت ترتیب میان آن‌ها ضروری گردد، لذا هر مسأله جدا از مسائل دیگر قابل بحث و بررسی است.

اقسام علوم قرآن

با توجه به این که علوم قرآن از زوایای گوناگون متنوع است، مفسران و دانشمندان علوم قرآن، تقسیمات زیر را ارائه نموده‌اند:

تقسیم اول: علوم لفظی و معنوی

علوم لفظی علمی است که درباره الفاظ قرآن بحث می‌کند مانند: علم تجوید، علم قرائت، فن رسم الخط قرآن، شمارش عدد سوره، آیه، کلمات و حروف قرآن. (بحث از تحریف ناپذیری قرآن و بحث از اعجاز نیز از زاویه‌ای در ردیف همین دسته قرار می‌گیرد).

علوم معنوی علمی است که درباره معانی قرآن بحث می‌کند مانند: تنزیل و تأویل، ظاهر و باطن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، آیات الاحکام، و علم تفسیر قرآن.^(۹) براساس این تقسیم استاد به بخشی از مباحث علوم لفظی و بسیاری از مباحث علوم معنوی پرداخته است.

تقسیم دوم: علوم تاریخی، دستوری و تفسیری

علوم تاریخی، علمی است که درباره سرگذشت قرآن کریم چون: نزول قرآن، نگارش و نویسندگان قرآن، مراحل تدوین و اعراب و اعجام قرآن سخن می‌گوید. علوم دستوری علمی است که درباره قرائت، تجوید، رسم الخط، و... بحث می‌کند. علوم تفسیری علمی است که درباره تفسیر، شیوه‌های تفسیری و مناہج آن گفتگو می‌کند.

براساس این تقسیم استاد به همهی علوم تاریخی و علوم دستوری پرداخته است. و درباره علوم تفسیری در بخش مستقل زیر عنوان تفسیر و مفسران به بحث نشسته است.

تقسیم سوم: علوم برون قرآنی و درون قرآنی

منظور از علوم برون قرآنی علمی است که قطع نظر از علوم قرآن و بیرون از محتوای آن، وجود دارد، مثل ادبیات، تاریخ قرآن و امثال آن و مقصود از علوم درون قرآنی، دانش‌هایی است که از درون قرآن نشأت گرفته است، مثل مباحث اعجاز،

تحریف، شناخت آیات و سوره‌ها، و تمام معارف قرآن.

براساس این تقسیم استاد معرفت به بخشی از مباحث علوم برون قرآنی و بخشی از مباحث درون قرآنی پرداخته است.

تقسیم چهارم: علوم متصل، مرتبط و مستفاد

در این تقسیم براساس میزان ارتباط علوم مختلف با قرآن کریم به شکل زیر مورد توجه قرار گرفته است:

الف) علوم متصل به قرآن

منظور از علوم متصل دانش‌هایی است که پیوند ناگسستنی با قرآن دارند به گونه‌ای که اگر به فرض قرآن نازل نمی‌شد این علوم نیز اصلاً پا به عرصه وجود نمی‌گذاشت. چراکه این‌ها در حقیقت زائیده خود قرآن کریم هستند، برخی از این علوم عبارتند از: تاریخ قرآن شامل: کیفیت نزول قرآن، نگارش و رسم الخط قرآن، نویسندگان وحی، جمع و تألیف قرآن در عصر پیامبر ﷺ، جمع و تألیف قرآن پس از رحلت پیامبر ﷺ، قاریان و قرائت‌های گوناگون، ترتیب نزول و ترتیب مصحف، تقسیم بندی و اجزاء قرآن، اعجام و اعراب گذاری قرآن، تجوید و تلاوت قرآن، مفردات و معانی واژگان، وجوه و نظائر، غریب القرآن، زبان قرآن، شناخت آیات و اقسام آن، تناسب آیات و سوره، احکام و تشابه، نسخ و تخصیص آیات قرآن، اسباب النزول، شناخت اسمی و وصفی قرآن، حدوث و قدم قرآن، ظهر و بطن، تحریف ناپذیری قرآن، اعجاز قرآن و تفسیر و تأویل قرآن.

بر اساس این تقسیم استاد معرفت به غیر از تجوید و تلاوت، مفردات و وجوه و نظائر، شناخت اسمی و وصفی قرآن، حدوث و قدم، و زبان قرآن به همه مباحث پرداخته است.

ب) علوم مرتبط با قرآن

مقصود از این گروه از دانش‌های قرآنی، علمی است که در فهم قرآن نقش اساسی دارند، اما زائیده خود قرآن نیستند زیرا پیش از نزول قرآن به عنوان بخشی از فرهنگ

عرب در میان آنها وجود داشته است.

مهمترین دانش‌ها از این سلسله، ادبیات به معنی اعم است، که پایه‌ی اساسی در فهم الفاظ هر متن، از جمله قرآن می‌باشد.

برخی از پژوهندگان علوم قرآنی در این باره می‌نویسند: علوم مرتبط به الفاظ قرآن، چهار نوع است: اعراب، نظم، تصریف و اعتبار.^(۱۰) منظور از اعراب، علم نحو است، مقصود از نظم، علم بلاغت است، مراد از تصریف، علم اشتقاق است و منظور از اعتبار، علم منطقی می‌باشد. در خصوص دانش‌های مربوط به قرآن، علوم دیگری نیز دخالت دارند، که در مجموع عبارتند از: علم لغت یا دانش شناخت واژه‌ها، علم صرف یا دانش تغییر ساخت‌ها و شناخت جایگاه فردی واژه‌ها، علم نحو یا دانش شناخت جایگاه ترکیبی واژه‌ها و اعراب آنها، فقه اللغه یا دانشی که از ارتباط لفظی و معنوی واژگان سخن می‌گوید، علم اشتقاق یا دانش ارتباط واژه‌ها و معانی آنها با یکدیگر، علم اسالیب یا شناخت شیوه‌های کلامی که عبارت است از (علم معانی، دانشی که درباره‌ی لفظ، از جهت مطابقت با مقتضی حال گفتگو می‌کند، علم بیان، دانشی که از نحوه‌ی بیان یک معنی از راه‌های گوناگون بحث می‌کند، علم بدیع، دانشی که درباره‌ی زیبایی‌های کلام سخن می‌گوید)^(۱۱)، علم منطق ابزاری است که آدمی با به کار گرفتن آن، از خطای در فکر مصون می‌ماند^(۱۲)، علم منطق از این جهت در ردیف علوم لفظی قرار گرفته است، که درباره‌ی چگونگی چینش قضایا، که مقدمات قیاس می‌باشد، نیز بحث می‌کند. استاد معرفت از این نظر تنها به بحث وجوه و نظائر در کتاب علوم قرآنی^(۱۳) پرداخته و به هیچ یک از علوم دیگر اشاره‌ای ندارد، چرا که آنها را جزء علوم قرآن نمی‌داند.

نقد

استاد در بیان ضرورت پرداختن به علوم قرآن می‌نویسند: هر یک از مسائل علوم قرآنی در جای خود نقش مهمی در بهره‌گیری از محتوای قرآن ایفاء می‌کنند.^(۱۴) در حالی که تا این حد مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

ج) علوم مستفاد از قرآن

در کنار این دو دسته از علوم، علوم دیگری نیز وجود دارد که به علوم مستفاد یا مستنبط از قرآن شهرت دارد. مراد از علوم مستفاد، دانش هایی است که قرآن کریم با نزول خود برای بشریت به ارمغان آورده است، و یا به تکمیل آن پرداخته است، و این نیست مگر به دلیل تربیتی و هدایتی بودن قرآن، و رسالت جامع و فراگیر آن. بدین معنی که هر آنچه مورد نیاز جامعه بشری بوده است، به اجمال یا تفصیل بدان پرداخته است. گاهی قالب بیان عقاید صحیح، گاهی با بیان اخلاقیات و گاهی نیز با تبیین احکام، و در مواردی با نقل تاریخ گذشتگان و جز آن.

در مورد میزان و تعداد این علوم، که در حقیقت همان معارف قرآن هستند، دانشمندان علوم قرآن دیدگاه های مختلفی ارائه نموده اند، که افزون بر آنکه مربوط به موضوع مقاله نمی شود، در این مختصر جای نمی گیرد.

علوم قرآن در کلام عترة

علوم قرآن، مانند بسیاری از علوم اسلامی ریشه در کلام معصومان علیهم السلام دارد، بدین معنی که این علوم مورد توجه آنان بوده، و به مناسبت هائی به برخی از اقسام آن نیز اشاره نموده اند: در باب تاریخ قرآن، قرائت و قراء، ظهر و بطن، شیوة تفسیر، منابع تفسیر و... روایات بسیاری از ناحیه اهل بیت علیهم السلام رسیده است که در جای خود مورد استناد و بررسی قرار می گیرد. اما در خصوص برخی از دانش های قرآنی می توان به موارد زیر اشاره کرد: درباره زبان قرآن، امام صادق علیه السلام می فرماید: نزل القرآن بایاک اعنی و اسمع یا جاره. (۱۵) در مورد دانش مربوط به اسباب نزول، در کلام علی علیه السلام آمده است که فرمود: ما نزلت فی القرآن، الا و قد علمت این نزلت؟ و فیمن نزلت؟ و فی ای شیء نزلت؟ و فی سهل نزلت ام فی جبل. (۱۶) در خصوص تقسیم بندی آیات قرآن کریم، روایتی از امام باقر علیه السلام بدان اشارت دارد که می فرماید: ان لکتاب الله ظاهراً و باطناً، و معانی، ناسخاً و منسوخاً، و محکماً و متشابهاً، و سنناً و امثالاً، و فصلاً و وصلاً، و احرفاً و تصریفاً. (۱۷) درباره علوم و معارف قرآنی، در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: ان من القرآن حلالاً، و

منه حراماً، و فيه نبأ من قبلكم، و فيه نبأ من بعدكم، و حكم ما بينكم. (۱۸) درباره استفاده از مراتب قرآن امام سجاد علیه السلام می فرماید: کتاب الله على اربعة اشياء: على العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق، فالعبارة للعوام، و الاشارة للخواص، و اللطائف للاولياء و الحقائق للانباء. (۱۹)

پس می طلبد بزرگانی همچون استاد را که در این زمینه قلم بزنند و به سهم خود غبار مہجوریت از ساحت قرآن بزدايند.

شیوه بحث در مباحث علوم قرآنی

دانشمندان علوم قرآن، در این مقوله سخنی نگفته اند، اما می توان از نحوه ارائه مباحث آن ها به نوعی، در نگرش کلی آنان به شیوه بررسی هایشان در علوم قرآن پی برد. آیت الله خوئی علوم قرآن را در اثر ارزشمند «البيان في تفسير القرآن» را به شیوه علم اصول الفقه بررسی کرده اند. (۲۰)

اما استاد معرفت در کتاب «التمهيد في علوم القرآن» و ديگر آثار خود، علوم قرآن را به سبک بررسی های تاریخی مورد کاوش قرار داده است.

ماهیت علوم قرآن

ولی هیچ کدام نمی تواند بیانگر ماهیت علوم قرآن باشد، چرا که علوم قرآن، حتی به معنای خاص آن، در اساس متنوع، و دارای چستی های مختلف است، و طبعاً همه آن ها نمی تواند یک ماهیت داشته باشد، و در حقیقت علوم قرآن مجموعه ای است از علوم عقلی و نقلی.

دانش های صرف، نحو، لغت و بلاغت جنبه نقلی دارند. مباحث تاریخ قرآن، شناخت آیات، اسباب النزول و تفسیر روایی نیز نقلی است. مباحث ضرورت وحی، تحریف ناپذیری، اعجاز و تفسیر قرآن، آمیزه ای از عقل و نقل است. مباحث مربوط به علم کلام، در بخش توحید، و بسیاری از مباحث علم اصول الفقه عقلی است.

علوم مستفاد از قرآن، از مقوله همان علمی است، که از قرآن استخراج شده است. بنابراین در هر یک از مباحث قرآنی می بایست، شیوه خاص آن دانش را پی گرفت،

تا دچار سردرگمی و اشتباه نشویم.

موضوع علوم قرآن

اگرچه هر یک از مباحث علوم قرآن، موضوع خاصی دارد که خود عامل جدایی هر بخش از بخش دیگر است، مانند: سرگذشت قرآن، تدوین، اعجاز، تحریف ناپذیری، نسخ آیات، قرائت، نزول و... در علوم متصل به قرآن، الفاظ، نظم، صرف و اشتقاق و... در علوم مرتبط با قرآن، ذات خداوند و صفات و افعال او، نبی و نبوت و رسالت او، قیامت و معاد و برزخ، انسان و روح و جسد او، تاریخ، آسمان و زمین و کواکب و... در علوم مستفاد از قرآن، اما آنچه همه این‌ها را در سلسله علوم قرآنی به هم پیوند می‌دهد و نقش محوری را ایفاء می‌کند، پسوند قرآن است و در حقیقت موضوع اصلی در همه این علوم خود قرآن کریم می‌باشد.

استاد معرفت در این زمینه معتقد است موضوع علوم قرآن، خود قرآن است لیکن از زاویه برون قرآنی. ایشان می‌گویند: علوم قرآن موضوع خود را قرآن قرار داده و با نگرشی برونی پیرامون آن بحث می‌کند، یعنی مباحثش به محتوای قرآن مربوط نبوده، بلکه به بررسی موضوعاتی همچون تاریخ قرآن، اسباب نزول، کیفیت نزول، مخاطبین قرآن، شبهه تحریف، و نظائر آن می‌پردازد. (۲۱)

جایگاه علوم قرآن

تعیین جایگاه، و میزان برتری هر علم، فن و هنر به یکی از سه عامل: موضوع، شکل و صورت، هدف و غرض، بستگی دارد. طبیعی است که هر علم و هنری که در موضوع برتر باشد، و یا با فرض یگانگی موضوع، از عوامل برتری بیشتری برخوردار باشد، نسبت به دیگری برتری بیشتری خواهد داشت، و اگر از هر جهت، و در همه عوامل برتر باشد، پیشاپیش و در رأس همه قرار می‌گیرد.

در خصوص علوم قرآن، باید گفت: والائی از هر جهت وجود دارد، چرا که موضوع این علم، کلام خدا است که سرچشمه همه فضایل و حکمت‌ها است، صورت این دانش، تجلی اسرار نهفته در آیات الهی، و هدف از آن آگاهی بر تاریخ قرآن، ابزار فهم

قرآن، و بالاخره تحصیل معارف قرآنی است. بنابراین باید گفت: علوم قرآن از نظر اهمیت، ارزش و جایگاه در رأس همه علوم قرار دارد، و بسا کلام امام عسکری علیه السلام به این حقیقت اشاره دارد، آنگاه که می فرماید: ما انعم الله عزوجل علی عبد بعد الایمان بالله، افضل من العلم بکتاب الله و معرفه تأویله، خداوند عزوجل، بعد از نعمت ایمان به خودش، نعمتی بالاتر از علم به کتابش و شناخت تفسیرش به کسی نداده است. (۲۲)

ضرورت پرداختن به علوم قرآن

استاد معرفت در زمینه ضرورت بحث در علوم قرآنی می نویسد: ضرورت بحث از آن جهت است که تا قرآن کاملاً شناخته نشود، و ثابت نگردد که کلام الهی است، پی جوئی محتوای آن مورد ندارد، برای رسیدن به نص اصلی که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده، باید روشن کرد که آیا تمامی قرائت‌ها یا برخی از آنها است که ما را به آن نص هدایت می‌کند؟ همچنین در مسأله نسخ، تشخیص آیه منسوخ از ناسخ یک ضرورت است. البته نسخ به معنی اعم که شامل تخصیص و تقیید نیز می‌باشد، چنانکه در کلام پیشینیان نیز آمده است، همچنین مسأله متشابهات در قرآن که بدون تشخیص این جهت در آیات، استنباط احکام و استفاده از مفاهیم عالیه قرآن به درستی ممکن نیست و هر یک از مسائل علوم قرآنی در جای خود نقش مهمی در بهره‌گیری از محتوای قرآن ایفاء می‌کند، برخی از این مسائل از مبادی تصویری و برخی از مبادی تصدیقیه به شمار می‌روند. (۲۳)

پس چه بسا بتوان گفت: جایگاه علوم قرآنی به همان معنایی که استاد پذیرفته‌اند، به منزله اصول الفقه است نسبت به فقه. البته سخن استاد مبنی بر این است که تمامی مبانی و قواعد تفسیر نیز جزء علوم قرآن بدانیم.

پی نوشت

- ۱- ابوبکر محمد ابن عبدالله المعافری (ت ۵۴۴) از فتهای اهل سنت و مؤلف کتاب احکام القرآن در تفسیر آیات الاحکام میباشد. و او غیر محی الدین ابن عربی عارف معروف است.
- ۲- زرکشی، بدر الدین، برهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۷.

- ۳- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۸.
- ۴- حکیم، سید محمد باقر، علوم القرآن، ص ۳.
- ۵- حکیم، سید محمد باقر، علوم القرآن، ص ۳.
- ۶- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۸.
- ۷- اسکندرلو، محمد جواد، علوم قرآنی، ص ۱۲، این کتاب تقریرات درس استاد معرفت می باشد که در دوره کارشناسی تدریس شده است.
- ۸- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۸.
- ۹- علامه طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۱۰۸.
- ۱۰- البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹.
- ۱۱- جرجانی، علی بن محمد، کتاب التعریفات، ص ۶۷.
- ۱۲- مظفر، محمد رضا المنطق، ص ۱۰.
- ۱۳- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، فصل هفتم.
- ۱۴- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۸.
- ۱۵- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۸۲.
- ۱۶- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۷۹ و ۸۷.
- ۱۷- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۰.
- ۱۸- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۱.
- ۱۹- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰.
- ۲۰- لازم به یاد آوری است که علم اصول الفقه خود از مقوله علوم دستوری است که درباره یک سلسله بایدها سخن می گوید، نه درباره استها. رکن: مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، ص ۲۵۳.
- ۲۱- اسکندرلو، محمد جواد، علوم قرآنی، ص ۱۲، این کتاب تقریرات درس استاد معرفت می باشد که در دوره کارشناسی تدریس شده است.
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۷.
- ۲۳- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۸.